

آثار انفاق در اجتماع

مرضیه کهنگی^۱

چکیده

مطالعه حاضر در پی بررسی آثار انفاق در زندگی فردی و اجتماعی انسان است. انفاق یکی از مهم‌ترین راهکارهای مبارزه با فقر و رفع محرومیت‌ها و نجات مستمندان از وضع دشوار زندگی است و باعث می‌شود فاصله طبقاتی با استفاده از آن کاسته شود. همچنین می‌تواند نقش فراوانی در اصلاح فرد و جامعه داشته باشد. با آگاهی دادن و فرهنگ سازی می‌توان از این مقوله قرآنی استفاده کرد. این مقاله به شیوه تحلیلی - توصیفی به این نتیجه رسید که انفاق علاوه بر این که یک فضیلت اخلاقی محسوب می‌شود، باعث تعادل اجتماع و پر کردن شکاف‌های اجتماعی نیز می‌گردد و علاوه بر آثار مثبت در زندگی دنیوی و اخروی فرد در زندگی اجتماعی نیز تاثیر شگرفی دارد. ارزش و اهمیت این موضوع به اندازه‌ای است که قرآن مجید در آیات متعددی به آن پرداخته است. همچنین روایات فراوانی در این زمینه داریم.

کلیدواژگان: آثار انفاق، انفاق، احسان، بخشش، قرض الحسنه

مقدمه

فقر یکی از عظیم‌ترین مسائل اقتصادی و یکی از فراگیرترین پدیده‌های اجتماعی است که خود اگرچه معلول علل مختلفی است، اما می‌تواند به عنوان علت دشواری‌های دیگری شناخته شود. یکی از راهکارهایی که در درمان فقر مورد استفاده قرار می‌گیرد، جلب کمک‌های مردمی در قالب انفاق است. مقوله انفاق از مفاهیم ارزشمندی است که در آموزه‌های دینی به خصوص آیات قرآن کریم، مورد توجه و عنایت ویژه‌ای قرار گرفته است، عمل به توصیه‌های اسلامی در مورد انفاق می‌تواند آثار بسیار مثبتی برای همگان به ارمغان آورد و کارکردهای زیادی در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی دارد. از این رو در این پژوهش تلاش شده است با تدبر و تعمق در آیات قرآن و احادیث اهل بیت، آثار اجتماعی و اقتصادی انفاق مورد بررسی قرار گیرد. از پژوهش در آیات و روایات به دست آمد ارتباط دو طرفه میان انفاق و رشد اقتصادی، اجتماعی وجود دارد؛ انفاق یک برنامه چندبعدی است. در بعد اجتماعی نقش جلوگیری از فساد اخلاقی ناشی از فقر و امنیت اجتماعی و پیشگیری از هلاکت جامعه

^۱. طلبه سطح ۲، مدرسه علمیه معصومیه (س) شهرستان شهرضا.

دارد و در بعد اقتصادی، ایجاد اشتغال و توسعه و تولید، سبب فزونی رزق و روزی انفاق کننده، حفظ قدرت اقتصادی حکومت اسلامی، تقویت بنیه نظامی و دفاعی و برطرف شدن خلأهای اقتصادی در جامعه می‌شود.

همچنین انفاق یکی از دستوراتی است که در اسلام به آن تاکید فراوان شده و از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در هر جامعه افراد و گروه هایی هستند که به علل مختلف نیاز به حمایت دارند. این حمایت می‌تواند مالی، آبرویی، فکری، عملی، بیانی و قلمی باشد. بنابراین دامنه انفاق از هر جهت اعم از انفاق کنندگان، انفاق گیرندگان و آنچه انفاق می‌شود، بسیار گسترده است. در قرآن آثاری که انفاق بر زندگی فرد به جا می‌گذارد بارها بیان شده است و تأثیر آن در روحیه و شخصیت فرد است که از آن جمله اثرات می‌توان به تقویت روحیه ی صبر و گذشت اشاره کرد. در فرهنگ اسلامی گرچه مفهوم انفاق گسترده بوده و منحصر به انفاق های مالی نیست و شامل هر کار نیکی به هر صورت که باشد می‌شود، اما بیشتر به خرج مال در راه خدا اعم از واجب و مستحب اطلاق شده است. انفاق و بخشش در راه خدا و کمک مالی به افراد محروم و به ویژه آبرومند همراه با خلوص نیت، تجارتی پرسود و معامله ای ارزشمند و از نشانه های ایمان است که در آیات قرآن کریم و روایات مکرراً تأکید شده است. رهایی از بخل توأم با حرص (شح نفس) و شکوفا شدن روح سخاوت، تثبیت ایمان، افزایش روزی، رهتوشه آخرت، سپرده گذاری نزد خدا، رسیدن به مقام برّ، آرامش درونی، آمرزش گناهان و جلوگیری از فساد اخلاقی از مهمترین تأثیرات بر شخصیت مؤمنان انفاق کننده در قرآن کریم و حدیث است.

درباره موضوع انفاق نگارشاتنی یافت شد که عبارتست از :

۱- مقاله ای با عنوان «بررسی تطبیقی دو مفهوم انفاق و نفاق در قرآن کریم» نوشته دکتر الهه شاه پسند و هدی تیزابی مشهدی که نویسنده در آن به این موضوع اشاره کرده است که دو مفهوم نفاق و انفاق با یکدیگر ارتباط تقابلی دارند. بدین صورت که نفاق مانع انفاق می‌شود و انفاق هم می‌تواند در ریشه کن کردن صفت نفاق مؤثر باشد.

۲- کتاب «انفاق در قرآن کریم» تألیف ابوالفتح عزیزی ابرقویی که به بررسی انفاق از منظر قرآن پرداخته است و در همه ی فصل های این کتاب از روش تفسیر موضوعی قرآن به قرآن استاد علامه طباطبائی استفاده شده است.

۳- کتاب «انفاق از نگاه قرآن و حدیث» تألیف مرحوم آیت الله محمدی ری شهری و حجت الاسلام رسول افقی. این کتاب در چهارده فصل خود نزدیک به هزار و پنجاه آیه و روایت را در بر گرفته و از خلال آنها، تبیین و تحلیل مهمترین مباحث مربوط به «انفاق» را از منظر قرآن و سنت در پیش دید مخاطبان قرار داده است.

وجه تمایز این مقاله با سایر پیشینه ها در این است که علاوه بر بررسی انفاق در آیات و روایات به بررسی مسأله انفاق از ابعاد مختلف از دیدگاه نهج البلاغه نیز پرداخته شده است.

۱- مفهوم انفاق

۱-۱- معنای لغوی انفاق

انفاق در لغت از نَفَقَ و نَفَاق گرفته شده^۱ و به معنی گذشتن هر چیز و از بین رفتن آن با تمام شدن آن چیز است.^۲ انفاق، یکی از فضایل اخلاقی که در اسلام به طور مکرر به آن سفارش شده است، و در قرآن نیز به آن پرداخته شده است. این واژه از ریشه «ن - ف - ق» به معنای کم شدن، نابود شدن، هزینه کردن، مخفی کردن و پوشاندن است.^۳

۱-۲- معنای اصطلاحی انفاق

"انفاق" در اصطلاح بیرون کردن مال از ملک و قرار دادن آن در ملک دیگری است که یا از طریق صدقه و یا از بخشش کردن مال‌های خویش در راه جهاد و دین و هر آنچه خدا بدان فرمان داده است می‌باشد.^۴

در کاربرد رایج قرآن کریم و متون دینی، انفاق اصطلاحاً به اعطای مال یا چیزی دیگر در راه خدا به فقیران و دیگر راه‌های مورد نیاز گفته می‌شود. به نوشته راغب انفاق از آن رو به بخشیدن مال اطلاق می‌شود که با بخشش، به ظاهر مال فنا و زوال می‌یابد.

به نظر برخی واژه شناسان انفاق با «اعطا» از آن جهت متفاوت است که در انفاق همواره مالکیت شیء انفاق شده منتقل می‌شود؛ ولی در اعطا لزوماً چنین نیست، از این رو اسناد انفاق را به خداوند مجازی و آن را در آیه «يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ» به معنای رساندن رزق به بندگان دانسته اند. افزون بر واژه «نفق» و مشتقات آن که بیش از ۷۰ بار و غالباً به معنای اصطلاحی آن در قرآن آمده، قرآن با واژگان و تعبیری دیگر نیز به این موضوع اشاره کرده است؛ مانند: صدقه یا صدقات زکات با مشتقات آن اعطاء، ایتاء، جهاد کردن با مال، قرض الحسنه دادن به خداوند اطعام رزق همچنین آیات مربوط به پاره ای تکالیف مالی، مانند پرداختن زکات یا کفاره را می‌توان از مصادیق انفاق (به معنای عام آن) دانست. البته در مواردی معدود، مراد از واژه انفاق در قرآن مفهومی جز معنای اصطلاحی دانسته شده است.^۵

۱. قرشی بنایی، قاموس قرآن، ج ۷، ص ۹۸-۹۷.

۲. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم الدار الشامیة، تحقیق صفوان عدنان داودی، ج ۱، ص ۵۰۲.

۳. سایت ویکی فقه.

۴. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد جواد بلاغی، ج ۲، ص ۵۱۵.

۵. سایت ویکی فقه.

۱-۳-انفاق در آیات قرآن

قرآن مجید تعبیر لطیف و بزرگوارانه‌ای در مورد انفاق در راه خدا دارد و از آن به عنوان وام دادن به خدا تعبیر می‌کند؛ وامی که سود کلانی از سوی خدا به آن پرداخته می‌شود. جالب این است که از آن تعبیر به «قرض الحسنه» می‌کند؛ این تعبیر، اشاره‌ای به این حقیقت دارد که وام دادن انواع و اقسامی دارد که بعضی را «وام نیکو» و بعضی را وام کم ارزش و یا حتی بی ارزش می‌توان شمرد! قرآن مجید شرایط وام نیکو را در برابر خداوند یا به تعبیر دیگر، «انفاق ارزشمند» را در آیات مختلف بیان کرده است.

واژه «نفاق» و مشتقات آن بیش از ۷۰ بار در آیات قرآن ذکر شده است. قرآن کریم افق‌های تازه‌ای فراروی نیکوکاران می‌گشاید تا مفاهیمی بدانها ارائه دهد که زمینه‌ساز تهذیب و پاکیزه‌نمودن دل‌هایشان گردد و با تجمیع رحمت و انجام وظیفه بندگی در برابر خدای عزوجل، از اجر و پاداشی مضاعف بهره‌مندشان گرداند. تا زمانی که خداوند برای بنده‌اش خوبی می‌خواهد، نتیجه‌ای سرشارتر عاید او می‌گردد و از آن پس، پاداش کسانی را که بخواهد چند برابر می‌کند.

قرآن کریم، انفاق را در ردیف ایمان به غیب و اقامه نماز ذکر کرده و می‌فرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (پرهیزگاران) کسانی هستند، که به غیب ایمان می‌آورند و نماز می‌گزاردند و از آنچه روزی شان کرده‌ایم انفاق می‌کنند.

و همچنین انفاق را یکی از اوصاف پرهیزگاران شمرده و آن را در ردیف صبر و راستگویی و مانند آنها ستوده است: «الصَّابِرِينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الْقَانِتِينَ وَ الْمُنْفِقِينَ وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالسُّحَرِ» پرهیزگاران، شکیبایان و راستگویان و فرمانبرداران و انفاق کنندگان و استغفار کنندگان در سحرگاهانند.

و از آنان به عنوان مؤمنان واقعی یاد می‌کند و می‌فرماید: «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ» کسانی که نماز می‌گزاردند و از آنچه روزی شان کرده‌ایم، انفاق می‌کنند. اینان مؤمنان حقیقی هستند، در نزد پروردگارشان صاحب درجات و مغفرت و رزقی نیکویند.^۴

۱. بقره، آیه ۳.

۲. آل عمران، آیه ۱۷.

۳. انفال، آیات ۳-۴.

۴. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، اخلاق اقتصادی، ص ۱۴۸

خداوند متعال به خاطر اهمیت موضوع انفاق، مؤمنان را به آن امر و جهت آن را نیز مشخص کرده است که «فی سبیل الله» و «مُخْلِصاً لِّوَجْهِ اللَّهِ» باشد و می‌فرماید: «وَأَنْفَقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...»^۱ در راه خدا انفاق کنید.

در جای دیگر می‌فرماید: «... وَ مَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ...»^۲ جز برای خشنودی خدا چیزی انفاق نمی‌کنید.

از این رو، برای انفاقهای کافران ارزشی قائل نیست و آن را به بادی که بر کشتزار قومی ستمکار وزیده و آن را نابود ساخته است، تشبیه می‌کند: «مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ...»^۳ آنچه (کافران) در این جهان انفاق می‌کنند، همانند آن است که تند بادی سرد، بر کشت قومی ستمکار بوزد و آن را نابود سازد.

۱-۳- انفاق در احادیث

کمک‌های مردمی در فرهنگ اسلام، اهمیتی والا دارد. نه تنها کمک به نیازمندان، بلکه هرگونه کمک به کارهای خیر و فعالیت‌های مثبت اجتماعی، اعم از ساختن مدرسه، درمانگاه، جاده، مراکز فرهنگی، مساجد و مانند آن‌ها، در مفهوم انفاق فی سبیل‌الله مندرج است. انفاق از بهترین اعمال محسوب می‌شود و سرچشمه انواع برکات و آثار معنوی و مادی در دنیا و آخرت است. کافی است به روایات زیر که نمونه‌ای از بسیار است توجه کنیم.

بزرگ‌ترین نعمت: امام علی(ع): «به‌راستی که هزینه کردن این مال در راه اطاعت خدا، بزرگ‌ترین نعمت است و خرج کردن آن در راه معاصی او، بزرگ‌ترین محنت (رنج)»^۴
خوشبخت‌ترین مردم: امام علی(ع): «خوشا کسی که زیادی مال خویش را انفاق کند و جلوی زیاده‌خواهی خود را بگیرد.»^۵

حضرت علی(ع) در روایت دیگری می‌فرماید: «خوشا آن که خود را متواضع انگاشت و درآمدی (عملی) پاک و نهادی سالم و شایسته و اخلاقی نیکو یافت و زیادی مال و ثروتش را انفاق کرد و زبانش را از زیاده‌گویی نگه داشت.»^۶

^۱ .بقره، آیه ۱۹۵.

^۲ .. بقره، آیه ۲۷۲.

^۳ . آل عمران، آیه ۱۱۷.

^۴ . خوانساری، شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۴۸۹، ح ۳۳۹۲.

^۵ . مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱۱۷، ح ۹.

^۶ . نهج‌البلاغه، حکمت ۱۲۳.

در عهدنامه خود به مالک اشتر نیز، سفارش اکید در مورد طبقات پایین و محروم اجتماع می‌کند و به کمک به بینوایان گرفتار و از کار افتادگان و زمین گیران و یتیمان و سالخوردگان و افراد آبرومند و قانع که روی سؤال و اظهار حاجت ندارند فرمان می‌دهد.^۱

۹-۷- انفاق به خویشاوندان محروم

از جمله اولویتهای مهم در احسان و انفاق فامیل مستمند است. در مثل هاست چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است. مقصود آن است که تا وقتی در فامیل دور و نزدیک افراد بینوا و فقیر وجود دارد اولویت درجه یک رسیدگی به آنان است نه خرجها و احسانهایی به دیگران. این کلام از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مشهور است که فرمود: «لَا صَدَقَةٌ وَذَوْرَحِمٍ محتاج»^۲. کسی که خویشاوند نیازمند دارد، صدقه به دیگری برای او روا نیست.

حضرت علی علیه السلام یا در یک جا خویشاوندان و اقوام را توصیه می‌کند با هم ارتباط و پیوند داشته باشند و به هم برسند و به یکدیگر بذل و بخشش کنند: «عَلَيْكُمْ بِالتَّوَّاصِلِ وَالتَّبَادُلِ»^۳. در جایی هم در توصیه به ثروتمندان جهت رسیدگی به اقوام مستمند خویش می‌فرماید: «أَلَا لَا يَعْدِلَنَّ أَحَدُكُمْ عَنِ الْقَرَابَةِ يَرَىٰ بِهَا الْخِصَاصَةَ أَنْ يَسُدَّهَا بِالَّذِي لَا يَزِيدُهُ إِلَّا أَمْسَكَهُ وَلَا يَنْقُصُهُ إِلَّا أَهْلَكَهُ»^۴ مبادا یکی از شما از خویشاوندی که گرفتار فقر و بینوایی است روی برگرداند! باید با مال و ثروتی او را یاری رساند که اگر انفاق نکند، بر دارایی اش نیفزاید و اگر انفاق کند، چیزی از دارایی او نکاهد یعنی برخی مردم چنان تمکن و وسعت مالی دارند که اینگونه خرج کردن ها برایشان بی تأثیر است و چندان کاهشی در اموالشان به چشم نمی‌آید، ولی مشکلات بسیاری از گرفتاران با همین کمک ها حل می‌شود.

کوچک نشمردن انفاق کم از وسوسه های شیطان برای بازداشتن انسان از عمل خیر، کوچک جلوه دادن کار خوب کم و سست کردن او از انجام آن به قصد کارهای بزرگ تر است. اینکه گفته اند سنگ بزرگ علامتِ نزدن است، در انفاق هم مصداق دارد. شیطان گاهی پیشنهاد خیرات زیاد و پر حجم می‌کند تا انسان بترسد و عقب بنشیند و از انجام کار خیر کوچک هم باز بماند.

^۱ همان نامه ۵۳ بند ۱۰۱ الله الله في الطبقة السفلى من الذين لا حيلة لهم من المساكين والمحتاجين.

^۲ محمدی ری شهری، میزان الحکمه حدیث ۱۰۴۰۹

^۳ نهج البلاغه، نامه ۴۷

^۴ همان، خطبه ۲۳.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «أَفْعَلُوا الْخَيْرَ وَلَا تَحْقِرُوا مِنْهُ شَيْئًا، فَإِنَّ صَغِيرَهُ كَبِيرٌ وَقَلِيلُهُ كَثِيرٌ»^۱. کار نیک را انجام دهید و چیزی از آن را کوچک بشمارید چرا که کوچک آن بزرگ مقدار است و اندک آن بسیار وقتی پاداش دهنده خداوند کریم است برای او کوچک و بزرگ و کم و زیاد آن عمل مطرح نیست اگر نیت خالص باشد، می‌پذیرد و پاداش عظیم هم می‌دهد. مهم آن است که همراه با تقوا و اخلاص باشد. در این صورت ارزش محتوایی بالایی پیدا می‌کند.

امام علیه السلام می‌فرماید: «لَا يَقِلُّ عَمَلٌ مَعَ التَّقْوَى، وَكَيْفَ يَقِلُّ مَا يُتَقَبَّلُ»^۲ با وجود تقوا هیچ عملی کم نیست چگونه کم خواهد بود چیزی که مورد قبول قرار گیرد؟

به علاوه همیشه کارهای بزرگ در پی تمرین‌های مستمر و با کارهای سبک و کم شروع می‌شود. کسی که خود را به انفاق‌های کم عادت ندهد انفاق‌های عظیم نخواهد کرد با احسانهای اندک، قدرت روحی و ظرفیت انجام کارهای بزرگتر بالا می‌رود و دل‌کندن از مال کم مقدمه دل‌کندن از اموال بسیار است.

حضرت امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَا دَاوَمَ الْعَبْدُ عَلَيْهِ وَانْ قَلَّ»^۳ محبوبترین کارها نزد خداوند کاری است که بنده بر آن مداومت کند هر چند اندک باشد.

۹-۸- اخلاص در انفاق

ارزش هر عملی به اخلاص است چه عبادت ریایی، چه جهاد ریایی و چه انفاق ریایی آن را پوک و پوچ می‌سازد. قرآن همچنان که انفاق خالصانه و در راه خدا را پاداشی مضاعف حتی تا هفتصد برابر و عده می‌دهد انفاق‌های ریایی را هم بی‌اثر و بر باد رفته می‌داند که چیزی دستگیر انفاق‌کننده نمی‌شود و برایش چیزی نمی‌ماند.^۴

حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا سلام الله علیها سه روز افطار خود را بدون چشم‌داشت پاداش و تشکر و تنها برای خدا انفاق کردند و به مسکین و یتیم و اسیر دادند. خداوند در ستایش و تقدیر از این انفاق ارزشمند سوره «هل اتی» را نازل فرمود.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۲۲

۲. همان، ۹۵

۳. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۷۰.

۴. بقره، آیه ۲۶۴

توصیه های آن حضرت به اخلاص در عمل، شامل انفاق هم می شود می فرماید: «وَأَعْمَلُوا فِي غَيْرِ رِيَاءٍ وَلَا سُمْعَةٍ، فَإِنْ مَنْ يَعْمَلْ لِغَيْرِ اللَّهِ يَكُلْهُ اللَّهُ لِمَنْ عَمِلَ لَهُ»^۱

برای خدا کار کنید نه برای نشان دادن به دیگران، و یا شنودن این و آن، چرا که هر کس برای غیر خدا عمل کند خداوند او را به کسی وا می گذارد که برای او عمل کرده است.

نتیجه گیری

انسان موجودی اجتماعی است که نیازهای خویش را از طریق دیگران برآورده می سازد. بنابراین، هر کسی به دیگری نیاز دارد و بی دیگری نمی تواند نیازهای ابتدایی خود را نیز تامین کند. از جمله نیازهای بشری نیازهای مالی و مادی است که انسان ها با همکاری با یکدیگر آن را برآورده می سازند. بر این اساس اگر افراد جامعه ای به نیازهای مادی و مالی همدیگر بی توجه باشند، در شرایط ضدا اجتماعی قرار می گیرند. از این جهت انفاق یکی از مهمترین راهکارهای مبارزه با فقر و فاصله طبقاتی در جامعه است و می تواند در زندگی فردی و اجتماعی انسان تاثیر زیادی داشته باشد.

با توجه به بررسی هایی که در این تحقیق انجام شده این نتیجه می رسیم که همان گونه که انفاق آثار و برکات مادی و معنوی و نیز دنیوی و اخروی مانند تعدیل اقتصادی، خیر و برکت، آمرزش گناهان، آرامش روحی و روانی و خیر و سعادت ابدی برای انسان و جامعه انفاق گر دارد، ترک آن نیز آثار و پیامدهای زیانباری مانند نفاق، بخل، بهانه های واهی، کفر، غفلت از خدا و مرگ و قیامت، تلقین سوء، حرص و ثروت اندوزی و جبرگرایی را به دنبال خواهد داشت که توجه به آنها می تواند مشوقی برای انفاق کردن شود. از این رو خداوند در آیات قرآنی به پیامدهای ترک انفاق و آثار آن در جامعه پرداخته است.

^۱ . نهج البلاغه، خطبه ۲۳.

منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

فارسی:

۱. الهامی نیا، علی اصغر، اخلاق اقتصادی، قم: نشر معارف، ۱۳۸۹ ش.
۲. انصاریان، حسین، زیبایی های اخلاقی، قم، دار العرفان، چاپ: سوم، ۱۳۸۶ ش.
۳. انصاریان، حسین، عرفان اسلامی تفسیر مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، ۱۵ جلد، دار العرفان - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۶.
۴. بحرانی، ابن میثم، شرح ابن میثم بر نهج البلاغه، ترجمه: محمدی مقدم، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۵. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، یکصد درس از زندگی امام علی علیه السلام، بی نا، بی جا، بی تا.
۶. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، اخلاق اقتصادی، تهران: اداره آموزشهای عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چاپ: اول، ۱۳۷۶.
۷. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، اخلاق نظامی، قم: انتشارات قرآنی معارف، ۱۳۹۲ ش.
۸. خوانساری، سید جلال الدین، شرح غررالحکم و دررالکلم، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم، ۱۳۸۴ ش.
۹. صائب تبریزی، دیوان صائب تبریزی، تهران: نشر طلوع، ۱۳۷۰ ش.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد جواد بلاغی، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۱۱. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ یازدهم، تهران: نشر حیدری، ۱۳۸۶ ش.
۱۲. محدثی، جواد، انفاق (درس‌هایی از نهج البلاغه)، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۹۱ ش.
۱۳. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۹ ش.
۱۴. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، تهران: صدرا ف چاپ سوم، ۱۳۷۸ ش.

۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۹ش.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ: اول، ۱۳۷۷ش.

عربی:

۱. حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: دار الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم الدار الشامیه، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق، چاپ اول. ۴۱۲ق.
۵. شیخ طوسی، الأمالی، قم، شریف رضی، ۱۳۷۰ش.

مقاله:

۱. افسای، محمدجعفر، اتفاق از منظر قرآن و عترت، نشریه فرهنگ کوثر، شماره ۷۳، ۱۳۸۷.

اینترنت:

۶. سایت ویکی فقه.